

لحظه کایرونیک ستار هاشمی

مروری بر جدیدترین ماهنامه مدیریت ارتباطات

یکصد و هشتاد و چهارمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات به مدیریت مسول امیرعباس تقی پور منتشر شد. این شماره نشریه مدیریت ارتباطات ویژه یکمین سال فعالیت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت چهاردهم است و تصویری جامع از کارنامه و دستاوردهای این وزارتخانه در حوزه‌هایی مانند زیرساخت، اینترنت و شبکه و اقتصاد دیجیتال است. در این شماره علاوه بر مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای اختصاصی با معاونان و مدیران سازمان‌های تابعه این وزارتخانه، گزارش‌ها و مقاله‌هایی به‌قلم کارشناسان روزنامه‌نگاران درباره عملکرد و اولویت‌های وزارت ارتباطات و پیشنهادهایی به ستار هاشمی، گردآوری و به چاپ رسیده است. یکی از خواندنی‌ترین مطالب شماره ۱۸۴ ماهنامه، گفت‌وگو با بهزاد اکبری، معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ارتباطات زیرساخت است. او در این مصاحبه به‌صراحت به آسیب‌هایی اشاره می‌کند که سیاست‌گذاری‌های غیرکارشناسی در توسعه شبکه و اینترنت بر اقتصاد دیجیتال و توانمندی‌های زیرساختی کشور وارد کرده است. اکبری در این گفت‌وگو روی موضوعاتی دست می‌گذارد که کلیدی اند و البته نگران کننده. مانند کاهش شدید درآمدهای شرکت ارتباطات زیرساخت و افزایش شدید ترافیک ناشناخته در شبکه کشور، پس از فیلترینگ پلنفرم‌های خارجی. با احسان چیت‌ساز، معاون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فناوری وزارت ارتباطات نیز در همین شماره گفت‌وگو شده. او با رویکردی تحلیلی و آسیب‌شناسانه توصیه می‌کند، در حوزه فضای مجازی باید حکمرانی واکنشی و مبتنی بر بحران را کنار نهاد و به سیاست‌گذاری پیشینی، داده محور و شجاعانه برگشت. در شماره ۱۸۴ با غلامرضا امیدی، معاون توسعه سرمایه انسانی و مدیریت منابع وزارت ارتباطات نیز گفت‌وگو شده است. امیدی، اولویت این معاونت را ارتقای شأن و کرامت کارکنان و توجه به حقوق و مزایای پرداختی به نیروهای نخبه این وزارتخانه بیان می‌کند. میثم عابدی، معاون فناوری، نوآوری و امور بین‌الملل وزیر ارتباطات از «الف تا ای» را هبردیپلماسی فناوری وزارت ارتباطات در دولت چهاردهم را در این شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات توضیح داده است. یکی دیگر از گفت‌وگوهای شماره تازه ماهنامه مدیریت ارتباطات، با حمید فتاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی است. فتاحی در این مصاحبه، توسعه ارتباطات ثابت در قالب اجرای پروژه فیبر نوری منازل و کسب و کارها را یکی از برنامه‌های کلیدی برای بهبود کیفیت اینترنت دانست. او می‌گوید، وزارت ارتباطات مخالف افزایش بی‌حساب نرخ‌های اینترنت است و برای اپراتورها نیز مشوق‌هایی در این زمینه در نظر گرفته است. در حوزه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نیز مسیری که وزارت ارتباطات در یکسال گذشته طی کرده، با علی‌رضا عبداللهی‌نژاد، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی این وزارتخانه بررسی شده است. در این مصاحبه که با تیتر «لحظه‌های مطالبه‌های مردم را از یاد نمی‌بریم» به چاپ رسیده، یک جمله عبداللهی‌نژاد بیش از همه جلب توجه می‌کند: وزارت ارتباطات، وزارت فیلترینگ نیست، بلکه مأموریت اصلی اش توسعه زیرساخت‌ها، پیشبرد پروژه تحول دیجیتال و ایفای نقش پیشران در اقتصاد آینده کشور است. خوشه‌های فناوری، موضوعی است که مصطفی مافی، رئیس پارک فناوری اطلاعات و ارتباطات از آن به‌عنوان ضرورتی برای توسعه زیست‌بوم فناوری و نوآوری کشور یاد کرده است. در شماره جدید ماهنامه مدیریت ارتباطات، روزنامه‌نگاران به‌نام کشور نیز کارنامه یکساله وزارت ارتباطات را ارزیابی کرده‌اند. مطلب مهرداد خدیر درباره کار دشوار ستار هاشمی، به‌همراه یکساله‌شدن وزارت او خواندنی است. عبدالجواد موسوی نامه‌ای به‌وزیر ارتباطات نوشته‌ و از او خواسته تا دیرتر ننهد، تلاش بیشتری برای رفع فیلترینگ انجام دهد. فرزاد نعمتی، نیلوفر نادری و امیرا حسینی نیز در همین رابطه با یادداشت‌هایی نوشته‌اند. امیرعباس تقی پور که سرمقاله شماره اخیر ماهنامه مدیریت ارتباطات را نوشته، گفته که وزارت ارتباطات تنها متولی اینترنت نیست، بلکه بازیگری محوری در اقتصاد دیجیتال، دیپلماسی فناوری، امنیت سایبری و مدیریت انرژی است. قادر باستانی، پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات هم درباره توانمندسازی حکمرانی دیجیتال در وزارت ارتباطات طی یکسال گذشته نوشته است و محسن محمودی نیز نگاهی تاریخی به سابقه بیش از یک قرن ونیمی این وزارتخانه انداخته است.



پرسش و پاسخ با رسول جعفریان نویسنده کتاب «مقدمه‌ای بر مطالعات شیعه‌شناسی» / بخش پایانی

تشیع به قبل و بعد انقلاب تقسیم می‌شود

✦ شما در فصلی از کتاب به تشیع اخباری اواخر صفویه و در ادامه احیای غالی‌گری در قرن سیزدهم هجری قمری و اوایل حکومت قاجار پرداخته‌اید. ریشه‌های این بازگشت به عقب تفکر دینی و شیعی در ایران از گرایش‌های فکری و فلسفی ابتدای صفویه را چه می‌دانید و سهم تحکیم و تقویت نهاد روحانیت از عصر صفوی به بعد در آن چگونه است؟

جدال غلو و اعتدال در داخل شیعه، تقریباً از قرن دوم هجری به‌این‌طرف، دائمی بوده است. غالیان تند می‌خواستند شیعه را به کلی از دنیای بقیه مسلمانان جدا کنند. از سوئی، دشمنی‌های مستمر امویان و بعد عباسیان با شیعه، زمینه این دورشدن را فراهم کرده بود. آن‌ها شیعیان را تکفیر می‌کردند و این جدایی بیشتر و بیشتر می‌شد. در تقسیمات فرقه‌های شیعه هم همیشه از سه مرحله فرقه در این باب یاد می‌شود که فارق

مطالعات شیعه اشاره می‌کند که مارکسیست‌ها نخستین جریان جدی را رقم زدند. آثاری چون کتاب «اسلام در ایران»، نوشته ایلیا پاولوویچ پتروفسکی، ایران‌شناس برجسته روسی، تشیع را به عنوان ایدئولوژی اقلیت انقلابی روستایی در برابر تسنن شهری و حکومتی معرفی کردند. این نگاه، زمینه‌ساز تحلیل‌های تازه‌ای شد که نمونه برجسته آن در آثار علی شریعتی نمایان شد. جعفریان یادآور می‌شود که آثار دیگری نیز در جهان عرب، شبه‌قاره و لبنان در همین دوره منتشر شدند که به غنای علمی مطالعات شیعه کمک کرده است. جعفریان در این گفت‌وگو مکتوب، تاریخ تشیع را به دو مرحله قبل و بعد از انقلاب ایران تقسیم می‌کند. به زعم او، با وجود اینکه جمعیت شیعه از نظر تعداد، در اقلیت هستند اما در معادلات سیاسی جهان اسلام، نقش برجسته‌ای دارند و این امر بر دانش و فرهنگ شیعی اثرگذار است.

محمدجواد روح

نویسنده



در شماره دیروز هم میهن، بخش نخست پرسش و پاسخ با رسول جعفریان، نویسنده کتاب «مقدمه‌ای بر مطالعات شیعه‌شناسی» منتشر شد. جعفریان در پاسخ به سوال‌های هم‌میهن از این گفت‌وگو تکیه بر شواهد تاریخی، تحلیل‌های نظری، فاکت اعتبار است و جدال‌های کسروی و حکمی زاده را نقطه عطفی در شکل‌گیری مطالعات نوین شیعه معرفی کرد. در بخش دوم این گفت‌وگو مکتوب که امروز می‌خوانید، جعفریان در توضیح خاستگاه رویکردهای جامعه‌شناسانه و تاریخی در

ناسازه‌های اقلیتی که اکثریت شد

چگونه ایده وحدت شیعه و اهل سنت در عمل به رشد گرایش‌های تکفیری انجامید؟

حکومت‌هایی بودند که به‌دست اهل تسنن تاسیس شده بودند. به‌هر روی، در عصر غیبت و با ازدست‌رفتن امکان بهره‌مندی شیعیان از رهبری سیاسی امام معصوم، سه نوع نگرش سیاسی در تشیع شکل گرفت: ۱- دوری گزینی از سیاست ۲- دوگانگی آمریت در امور شرعی و امور سیاسی ۳- نظریه ولایت فقیه.

این نگرش‌ها از نظر تاریخی، یکی پس از دیگری و متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی به‌میدان آمدند. در نگرش نخست، یعنی دوری گزینی از سیاست، همه حکومت‌ها جائر شمرده می‌شمرند و حتی اعتراف به مشروعیت آن‌ها نیز حرام تلقی می‌شد. با این‌همه تعامل در حد ضرورت با این حکومت‌ها جایز دانسته شد. بعد از تشکیل جوامع و حکومت‌های مستقل شیعه در عصر اولیوه، رویکرد نخست مورد تردید قرار گرفت. آنچه اما مسبب پیدایش نظریه دوگانگی آمریت در امور شرعی و امور سیاسی بود، تشکیل حکومت صفویه بود. طبق این نگرش جدید، امور شرعی افتاء، قضا و امور حبسیه بر عهده فقها بود اما متصدی امور سیاسی شتمل بر امنیت و حفظ نظام جامعه، حاکم یا مسلمان‌های خودکشی بود که می‌توانست قدرت را به‌طور عملی در دست بگیرد و مصداق آن در این نگرش، سلاطین شیعه بودند. در نهایت اما با موفقیت آیت‌الله خمینی در تشکیل دولت، تدوین نظریه دولت، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. اصول غالب این مرحله را می‌توان ذاتی دانستن حکومت در اسلام، ارجحیت فقیه عادل منصوب از جانب شارع مقدس در امر حکومت و تقدم حکومت بر احکام فرعی دانست. نظریه ولایت فقیه در مقابل دو نظریه دیگر، یک نظریه ایجابی مبتنی بر یگانگی اسلام و سیاست است و طبق آن اولاً تحقق اهداف دین بدون سیاست و تشکیل حکومت ناممکن است. ثانیاً فقیهان بیشترین صلاحیت را برای تکفل امر حکمرانی بر خود دارند.

✦ ایده وحدت؛ تلاشی برای خروج از منطق اقلیت بودگی

با این تفاسیر وضعیت کنونی، تفاوتی ماهوی در منطق اقلیت بودگی شیعه در ایران فراهم کرده است. توضیح بیشتر آنکه از دوره صفویه و با رسمی‌شدن مذهب شیعه، بافت جمعیتی کشور به‌تدریج به‌نفع شیعه سنگین شد. حتی حکومت‌ها نیز در اجرای احکام اسلامی و شعار شیعی کوشا بودند. با تاسیس جمهوری اسلامی اما در سطحی حکومتی، تعیین شکل رابطه تشیع و تسنن ضرورت یافت. آنچه

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ



تشیع اینک در ایران، مذهب اکثریت است اما از نظرگاه تاریخ بلندمدت و از آغاز پیدایش، مذهب اقلیت و درگیر حاشیمنشین، سرکوب و ستم بوده است. بدین ترتیب حافظه تاریخی تشیع با رنج و عزا شکل گرفته و مهمترین مناسک جمعی تشیع نیز عزاداری و زیارت است. بدین ترتیب عزاداری، رسانه شیعه است. واژه‌های تکراری مناسک جمعی تشیع نیز کلماتی چون غربت، غیبت و انتظار فرج است. همین کلمه آخر، بُعد آخر زمانی تشیع را نیز جلوه‌گر می‌سازد. بر این اساس می‌توان دو منطق در ذهنیت شیعه را بر جسته کرد: اقلیت‌بودگی تاریخی و انتظار آخر زمانی. در ادامه درباره بُعد نخست نکاتی افزوده خواهد شد.

✦ استلزامات منطق اقلیت بودگی شیعه

طبق منطق اقلیت بودگی، مسئله اصلی تشیع در طول تاریخ، امنیت، بقا و حفظ هویت است. برای اقلیت‌ها ایجاد، حفظ و تداوم همبستگی، ضمانت بقا در میان اکثریت بیگانه است؛ اکثریت بیگانه‌ای که اقلیت قادر به برقراری پیوند با او نیست و نمی‌تواند با او همبسته شود. در این مسیر اقلیت‌ها به راهکارهای متعددی برای بقای خود متوسل می‌شوند. یکی از این راهکارها چندمركزی بودن است به‌نحوی که شیعیان برای امکان دفاع از خود در برابر نیروهای مهاجم در مناطق مختلفی نظیر نجف و کربلا، قم و اصفهان، ری، مشهد و جبل عامل پراکنده شدند.

راهکار دیگر نیز تداوم بخشی به مقوله «امامت» از طریق مفهوم «ولایت فقیه» بوده است. طبق این تفسیر جامعه شیعی در غیبت امام زمان، حول علما و فقهایی شیعه به‌عنوان «نایبان عام امام زمان» انسجام پیدا می‌کرده است. در ارتباط با همین موضوع یکی دیگر از مهمترین حوزه‌هایی که شیعه مجبور بود در این زمینه چاره‌اندیشی کند، حوزه سیاست و رابطه جامعه شیعی (و در اصل روحانیت شیعی) با حکومت‌هایی بود که از نظر شیعه مصداق «حکومت جور» دانسته می‌شدند. این حکومت‌های جائر در درجه اول تمام خلافت‌ها و

در این زمینه در وهله اول می‌توان بدان اشاره کرد، این است که رهبر انقلاب و سایر روحانیان مؤثر در شبکه قدرت، هم بنا به مصالح سیاسی و ملی و هم فراتر از آن براساس تأسی به سیره استاد خویش آیت‌الله بروجردی، به اهمیت وحدت شیعه و سنی اعتقاد داشتند.

می‌دانیم که پیش از انقلاب اسلامی و در دوره زعامت آیت‌الله بروجردی، ایده «تقریب مذاهب اسلامی» با محوریت این فقیه عالیقدر و براساس تعاملاتی که با دانشگاه‌ها ازهر مصر صورت گرفت، در سطحی علمی و نخبگانی پیش برده شد و نتایج مهمی چون صدور فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت، مبنی بر جواز عمل بر مذهب شیعه را در پی داشت. برخی از شاگردان آیت‌الله بروجردی چون آیت‌الله خمینی، آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مطهری نیز به مشی اعتدالی و واقع‌بینانه استاد خویش توجه کرده و بعد از تسلط بر قدرت سیاسی، تلاش کردند، ایده وحدت را به پروژه‌ای سیاسی و حکومتی بدل کنند. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۰، فاصله میان ۱۲ ربیع‌الاول (سالگرد میلاد نبی اسلام (ص) بنابر روایات اهل سنت) تا ۱۷ ربیع‌الاول (تاریخ ولادت حضرت محمد(ص) بنا بر روایات شیعه) به‌پیش نهاد آیت‌الله منتظری و با تأیید امام خمینی، به‌نام «هفته وحدت» نامگذاری شد.

✦ تشیع سنتی در برابر تشیع انقلابی

باین‌همه این سیاست‌های رسمی از همان آغاز مورد توافق تمامیت بدنه جامعه مذهبی نبود و بخش‌هایی از جامعه مذهبی سنتی و روحانیون - که غالباً غیردولتی بودند - نوعی از دین‌داری را ترویج می‌کردند که می‌توان آن را دین‌داری توده‌ای، دین عامه یا دین سنتی نام نهاد. این اختلافات البته فقط در زمینه وحدت شیعه و سنی مطرح نبود و تنها در آن زمان نیز ابراز نشده بود، بلکه ریشه در اختلاف‌های معناداری داشت که میان تشیع انقلابی و تشیع سنتی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی و متعاقب مخالفت‌ها و کنش‌های سیاسی امام خمینی با حکومت پهلوی در گرفته بود. در جریان انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی نیز خود را نمودار ساخت و حتی همچنان به قوت خود باقی است؛ به‌نحوی که به‌خصوص در زمینه ایده وحدت همچنان نقش‌نمایی می‌کند. توضیح بیشتر آنکه طبق یک برداشت کلی و با تحلیل مواضع روحانیون در دهه ۱۳۴۰، از هشت جریان در سه سطح می‌توان نام برد:

در سطح اول (اسلام سنتی با گرایش غیرسیاسی) سه جریان دیده می‌شود: ۱- نهاد مرجعیت شامل آیات عظام احمد خوانساری، بروجردی، شریعت‌مداری، مرعشی و گلپایگانی ۲- موسسه در راه حق با هدف مبارزه با بهائیت و مسیحیت ۳- جامعه تعلیمات اسلامی و انجمن حجتیه به رهبری شیخ احمد حلی.

در سطح دوم (اسلام معترض و رادیکال) سه جریان قابل شناسایی

